

مقدمه: پژوهش «فقه جزایی زنان، دیه و قصاص» پژوهشی در نابرابری دیه و قصاص زن و مرد که توسط آقای ابراهیم شفیعی سروستانی انجام شده است در سومین دوره پژوهش های فرهنگی سال که توسط معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، شایسته تشویق شناخته شده است. آنچه در پی می آید، معرفی اجمالی اثر یادشده است.

حقوق زنان را از جنبه های مختلفی چون: حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق اساسی و اداری، می توان مورد بررسی و دقت نظر قرار داد. اما آنچه پژوهشگر در این تحقیق در پی بررسی آن بوده، یکی از موضوعات مرتبط با حقوق جزایی زنان، یعنی موضوع «تفاوت دیه و قصاص زن و مرد» است. ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، در بیان حکم موردی که «مرد مسلمانی به عمد زن مسلمانی را به قتل برساند» چنین مقرر می دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن، قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

همچنین در ماده ۲۷۳ قانون مزبور در زمینه قصاص عضو چنین آمده است: «در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود، مگر آنکه دیه عضوی که ناقص شده، ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، که در آن صورت، زن هنگامی می تواند، قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.»

اما در زمینه دیه قتل زن مسلمان، در ماده ۳۰۰ قانون یاد شده، چنین مقرر شده است: «دیه زن مسلمان، خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است.» ماده ۳۰۱ همین قانون به تفاوت زن و مرد در دیه اعضاء و جراحات اشاره کرده و می گوید: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث مقدار کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.»

قبل از هر گونه اظهار نظر در خصوص مواد یاد شده لازم است که دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در این زمینه بدرستی روشن و دلایل و مستندات آنها به خوبی تبیین شود. به همین دلیل محقق در تحقیق یاد شده تلاش کرده، تا در حد توان، گزارش کاملی از آنچه که در کتابهای فقهی و روایی شیعه و اهل سنت در زمینه موارد اختلاف دیه و قصاص زن و مرد مطرح شده است، آرایه دهد و در نهایت به تحلیلی همه جانبه از این موضوع دست یابد.

تحقیق مزبور، در سه فصل و ۲۰۲ صفحه به شرح زیر سامان یافته است:

۱- زنان و قصاص

۱-۱- زنان و قصاص در فقه اهل سنت

فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) بر این عقیده اتفاق نظر دارند که مرد در برابر کشتن زن قصاص می شود، بی آنکه خانواده مقتول موظف باشند، نیمی از دیه قاتل را به خانواده او بپردازند.

اساس استدلال فقهای اهل سنت در موضوع یادشده، عموم آیات قصاص و روایاتی است که ایشان به پیامبر اکرم (ص) استناد می دهند.

اینجا در ضمن چهار قسمت کلمات فقهای حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی در خصوص قصاص قاتل زنان به تفصیل،

معرفی پژوهش

«فقه جزایی زنان، دیه و قصاص» تشویقی سومین دوره پژوهش های فرهنگی سال

● پژوهشگر: ابراهیم شفیعی سروستانی

می شود، تعادل لازم برقرار باشد.

۲- به دلیل نقش مهمی که مردان در اقتصاد خانواده و نظام معیشتی آن برعهده دارند؛ خساراتی که با فقدان مرد در میان خانواده می شود در غالب موارد، بیشتر از خساراتی است که با فقدان یک زن پیش می آید.

با توجه به مقدمات یاد شده، لازم است در مواردی که مردی در برابر زنی قصاص می شود، در برابر پرداخت نیمی از دیه قاتل به خانواده او خساراتی که از ناحیه نبودن مرد متوجه آنها می شود جبران شود تا تساوی همه جانبه میان قاتل و مقتول که اساس قصاص را تشکیل می دهد، رعایت شود و همچنین میان اثری که از ناحیه فعل قاتل متوجه مقتول می شود و اثری که از ناحیه قصاص متوجه خانواده قاتل می شود، تعادل لازم برقرار گردد.

۲- زنان و دیه

۲-۱- زنان و دیه در فقه اهل سنت

فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت در این موضوع که در باب قتل، دیه مرد دو برابر دیه زن است با یکدیگر اتفاق نظر دارند. اما در باب اعضاء و جراحات با یکدیگر اختلاف نظر دارند. حنفیان و شافعیان بر این عقیده اند که در این باب نیز دیه زن نصف دیه مرد است، چه کم باشد، چه زیاد؛ اما مالکیان و حنبلیان معتقدند که دیه زن در باب اعضاء و جراحات که به یک سوم دیه نرسیده، با دیه مرد برابر است، اما زمانی که به این حد رسیده، دیه زن نصف دیه مرد است.

بررسی دیدگاه های یاد شده موضوع اول از فصل دوم تحقیق حاضر است، در این بحث، اقوال فقهای هر یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت بیان شده و در پایان نیز خلاصه ای از دلایل فقهای این طایفه آرایه شده است.

۲-۲- زنان و دیه در فقه شیعه

فقهای شیعه نیز چون فقهای دیگر مذاهب اسلامی دیه زن را، در موارد قتل، نصف دیه مرد می دانند. و در سایر موارد صدمات جسمانی (تلف عضو و جراحات) نیز دیه زن و مرد را تا زمانی که به یک سوم دیه نرسیده، باهم برابر دانسته و معتقدند که تنها از این زمان به بعد است که دیه زن نصف می شود.

در بحث یاد شده در ضمن دو گفتار فقهای شیعه، اعم از

مورد بررسی قرار گرفته و در پایان این بحث نیز دلایلی که فقهای اهل سنت برای اثبات نظریه خود بدان ها تمسک جسته اند، نقد و بررسی شده و چنین نتیجه گرفته شده که این دلایل برای اثبات ادعای ایشان کافی به نظر نمی رسد.

۱-۲- زنان و قصاص در فقه شیعه گفتار اول: قصاص نفس

فقهای شیعه در این موضوع که قصاص مرد در برابر کشتن زن، مشروط به پرداخت نصف دیه به بستگان مرد است، با یکدیگر اتفاق نظر دارند و هیچ قول مخالفی از ایشان در این زمینه نقل نشده است.

در گفتار اول از این بحث، کلمات فقهای شیعه و دلایل آنان در موضوع یاد شده مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار دوم: قصاص اعضاء و جراحات

در باب قصاص اعضاء و جراحات، قول مشهور فقهای امامیه این است که تا زمانی که دیه عضو یا جراحات به یک سوم دیه کامل مرد نرسیده است، زن و مرد به طور مساوی در برابر یکدیگر قصاص می شوند، اما زمانی که دیه به یک سوم یا بالاتر از آن رسید مرد به شرطی در برابر صدماتی که به یک زن وارد کرده قصاص می شود که زن نصف دیه وارد شده بر خود را به او پرداخت کند. برای آشنایی با دیدگاه فقهای امامیه در این زمینه، در گفتار دوم از بحث مزبور در ضمن دو بند کلمات فقهای این طایفه و دلایل آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۳- حکمت تفاوت قصاص زن و مرد

آخرین موضوعی که در فصل اول از این تحقیق به آن پرداخته شده، حکمت تفاوت قصاص زن و مرد است. اگرچه در روایات و کلمات فقهای سلف، اشاره ای به حکمت تفاوت قصاص زن و مرد نشده است، اما در طول سال های گذشته به دلیل شبهاتی که در زمینه نابرابری قصاص زن و مرد مطرح شده است، برخی بر آن شده اند که با بیان حکمت هایی به توجیه این تفاوت بپردازند.

در این تحقیق حکمت تفاوت قصاص زن و مرد با ذکر دو مقدمه به شرح زیر بیان شده است:

۱- با توجه به معنای قصاص، تساوی همه جانبه میان قاتل و مقتول امری لازم بوده و می بایست میان اثری که از ناحیه فعل قاتل ایجاد شده و اثری که از ناحیه قصاص ایجاد

ارایه شده به این شرح است :

با توجه به مطالب مطرح شده در فصول مختلف این تحقیق جای تردید باقی نمی ماند که آنچه در موارد ۲۰۹، ۲۳۳، ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ در زمینه تفاوت دیه و قصاص زن و مرد مقرر شده، بر ادله و مبانی فقهی مستحکم و خدشه ناپذیری استوار بوده و همه فقهای امامیه نیز بر آن مهر تایید زده اند. اما با وجود این نمی توان از برخی مشکلات اجرایی مواد یاد شده چشم پوشی کرده و بر نظام اسلامی ضروری و لازم است که برای حل این مشکلات چاره اندیشی کند. عمده ترین مشکلی که در حال حاضر در زمینه قصاص نفس یا عضو، میان زن و مرد وجود دارد، این است که بسیاری از زنان صدمه دیده و همچنین بسیاری از بستگان زنان مقتول، توان پرداخت فاضل دیه را ندارند و این موضوع از یک سو موجب تأخیر در اجرای قصاص و در نتیجه ناخوشنودی صاحبان این حق و از سوی دیگر موجبات بلاتکلیف ماندن جانی و زندانی شدن او تا فراهم شدن امکان پرداخت فاضل دیه می شود.

با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهاد نویسنده این است که، دولت با حمایت بانکها و شرکت های بیمه صندوقی را برای حمایت از زنان صدمه دیده و بستگان زنان مقتول ایجاد کند تا آنها بتوانند با پرداخت فاضل دیه به خواسته خود در زمینه اجرای قصاص دست یابند.

شیوه اجرای این پیشنهاد به این صورت خواهد بود که پس از احراز ناتوانی مجنی علیها و یا اولیاء دم از پرداخت فاضل دیه، صندوق مزبور به نیابت از آنها این مبلغ را به جانی و یا به بستگان او پرداخت می کند و در مقابل آنها نیز متعهد می شوند که مبلغ پرداختی صندوق را به صورت قسطی بازپرداخت کنند.

البته این در صورتی است که آنها از حداقل توان لازم برای بازپرداخت اقساط مبلغ مزبور برخوردار باشند. اما اگر آنها این حد از توان را نیز دارا نباشد باید تمهیدی اندیشیده شود که دولت به عنوان متولی اصلی امور جامعه فاضل دیه را پرداخت کند تا هم جانی از بلاتکلیفی نجات یابد و هم صاحبان قصاص. اما برای این که تاسیس این صندوق تحمیلی بر بیت المال نباشد، دولت می تواند علاوه بر حمایت بانک ها و شرکت های بیمه برای تامین سرمایه اولیه صندوق مزبور از وجوه حاصل از جزای نقدی پیش بینی شده در موارد قتل و ضرب و جرح استفاده کند.

در خصوص دیه زنان نیز مهمترین مشکلی که در حال حاضر وجود دارد، این است که در برخی از موارد دیههایی که به زنان صدمه دیده پرداخت می شود رضایت آنها را تامین نکرده و نمی تواند همه خسارتهایی را که از ناحیه صدمه بدنی بدان ها وارد شده جبران کند. برای حل این مشکل نیز پیشنهاد می شود، قانونگذار با اصلاح و تکمیل قانون مجازات اسلامی زمینه را برای اخذ خسارت های زائد بر دیه که به نظر ما مشروعیت آن با ادله شرعی قابل اثبات است، فراهم کند، زیرا تنها در این صورت است که زنان می توانند خسارت هایی را که با دیه جبران نشده از جانی مطالبه کنند.

محقق در پایان اظهار امیدواری کرده است که این تحقیق بتواند برای تبیین برخی از احکام جزایی اسلام و حل برخی مشکلات اجرایی نظام اسلامی موثر باشد.

فقه های مذاهب چهارگانه اهل سنت در این موضوع که در باب قتل، دیه مرد دو برابر دیه زن است با یکدیگر اتفاق نظر دارند. اما در باب اعضاء و جراحات با یکدیگر اختلاف نظر دارند. حنفیان و شافعیان بر این عقیده اند که در این باب نیز دیه زن نصف دیه مرد است چه کم باشد، چه زیاد؛ اما مالکیان و حنبلیان معتقدند که دیه زن در باب اعضاء و جراحات که به یک سوم دیه نرسیده بادیه مرد برابر است، اما زمانی که به این حد رسید دیه زن، نصف دیه مرد است.

دیه و قصاص زن و مرد

۳-۱- فقه ژورنالیستی

از آنجا که در طول دو سه سال گذشته مقالات متعددی در دفاع از برابری دیه زن و مرد به رشته تحریر درآمده و عده ای آگاهان و ناآگاهان با زیر پا گذاشتن همه مبانی فقهی و حقوق نابرابری دیه زن و مرد را مورد اعتراض قرار داده و حتی آن را از نظر فقهی، حکمی غیر مسلم دانسته اند. در این گفتار مقاله یکی از مدافعان برابری دیه زن و مرد به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و دلایل و مستندات که نویسنده مقاله برای اثبات دیدگاه خود بدان ها تمسک جسته، نقد و ارزیابی شده است. در پایان این گفتار از نویسنده های این گونه مقالات خواسته شده به جای پرداختن به مقالاتی که واقع نامی جز «فقه ژورنالیستی» بر آنها نمی توان نهاد دیدگاه خود را بر اساس موازین پذیرفته شده در تحقیقات فقهی - حقوقی تنظیم کنند و به محافل علمی کشور عرضه دارند تا در اصلاح قوانین مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۲- تکرر گرای (پلورالیزم) فقهی

موضوع نابرابری زن و مرد در قصاص نفس و اعضاء نیز در طول چند سال گذشته، دستمایه افرادی برای زیر سوال بردن قوانین جزایی جمهوری اسلامی بوده و در این میان عده ای هم با استدلال های به ظاهر فقهی و با منالطه های فراوان درصدد برآمده اند که به هر قیمتی که شده، ثابت کنند زن و مرد در قصاص هیچ تفاوتی بایکدیگر ندارند. برای روشن شدن دیدگاه این عده، در این گفتار یکی از مقالاتی که در زمینه نابرابری قصاص زن و مرد به رشته تحریر درآمده و در ظاهر صیغه ای فقهی دارد انتخاب و دلایلی که نویسنده مقاله برای اثبات برابری قصاص زن و مرد ابراز داشته مورد بررسی قرار گرفته است.

آنچه در نهایت بررسی مقاله مزبور به دست می آید این است که نویسنده مقاله گرفتار نوعی تکرر گرای (پلورالیزم) فقهی شده و چنین پنداشته که در مباحث فقهی، تقید به مذهبی خاص، لزومی ندارد و می توان بدون توجه به دلیل مستندات از هر مذهبی نظری را که مطابق خواست و برداشت ما بود، انتخاب کرد و در قانونگذاری مورد استفاده قرار داد.

۴- نتیجه گیری کاربردی

آنچه در پایان تحقیق مزبور به عنوان نتیجه کاربردی

قدما و متاخران و دلایل آنان، مورد بررسی قرار گرفته است. ۲-۳- حکمت تفاوت میان دیه مرد و زن

با توجه به اهمیت تبیین حکمت دیه زن و مرد، دریایان فصل دوم از تحقیق حاضر به این موضوع پرداخته شده و پس از نقل دیدگاه سه تن از صاحب نظران مباحث فقهی و حقوقی در این زمینه، دیدگاه برگزیده بدین شرح بیان شده است:

دیه، چنانکه برخی مطالعات فقهی و تاریخی نشان می دهد امری اقتصادی است که به منظور جبران خسارت هایی که از ناحیه صدمات جسمانی متوجه مجنی علیه و اولیاء دم می شود تشریح شده است.

از طرف دیگر هم می دانیم که در یک جامعه مطلوب دینی که اسلام در پی تحقق آن است عمده فعالیت های اقتصادی بر دوش مرد گذاشته شده و مهمترین وظیفه یک زن و نه تنها وظیفه او، اداره کانون بنیادی ترین هسته تشکیل یک جامعه، یعنی خانواده است و به این ترتیب آثاری که از نظر اقتصادی بر وجود یک مرد مرتبط می شود، غالباً بیش از یک زن است و از این روست که تحصیل نفقه نیز بر عهده مرد گذاشته شده و بر او واجب است که نفقه زن را تامین کند تا همسرش بدون دغدغه خاطر و دل مشغولی تامین معاش به اداره امور داخلی خانواده و تربیت آینده سازان جامعه اسلامی بپردازد. بر این اساس، واضح است که فقدان یک مرد از صحنه خانواده و اجتماع، از نظر اقتصادی آثار زیانبارتری بر جای می گذارد، تا فقدان زن.

بنابراین، عدالت اقتضا می کند که هنگام جبران ضرر اقتصادی فقدان یک مرد از محیط خانواده و اجتماع به عامل مولد بودن او از حیث اقتصادی توجه شود و بین دیه او و دیه یک زن فرق گذاشته شود. چرا که میزان تاثیر زن در تولید اقتصادی، حتی در جهان امروز کمتر از مرد است، از این لحاظ شارع مقدس در تشریح حکیمانه خویش، دیه مرد را دو برابر دیه زن قرار داده تا عدالت برقرار شود چرا که عدالت الزاماً با تساوی یکی نیست. البته باید توجه داشت که «حکمت» یک حکم شرعی لزوماً «علت» آن محسوب نمی شود و به همین خاطر فقها هیچگاه بر اساس «حکمت» به استنباط حکم شرعی نمی پردازند.

۳- بررسی دیدگاه مدافعان برابری